صراف قلابی، کلاه سرمربی را برداشت

دستگیری زن نظافتکاری که با سوءاستفاده از اعتماد صاحبخانه، طلا و لوازم آشپزخانه یک خانه در غرب تهران را سرقت کرده بود، بازداشت صراف قلابی که با فریب یک سرمربی سرشناس خارجی لیگ برتر فوتبال از او کلاهبرداری کرده بود، کشف بیش از شش کیلوگرم تریاک از یک خانه در نظام‌آباد و دستگیری اعضای باند فروش فیش حقوقی جعلی، مهم‌ترین اخبار پلیس در ۲۴ ساعت گذشته است.

نظافتکار، سارق خانه از آب درآمد

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ماموران کلانتری کن چندی قبل در جریان سرقت از یک خانه در این محله قرار گرفتند. شاکی در مراجعه به کلانتری گفت پس از بازگشت از سفر متوجه شده طلا و برخی اموال باارزش خانه به سرقت رفته است. با حضور تیم عملیات در محل، ماموران هیچ نشانه‌ای از ورود به زور یا تخریب در ورودی خانه مشاهده نکردند. همین موضوع احتمال دسترسی سارق به کلید خانه و درنتیجه، آشنا بودن او با خانواده را مطرح کرد. ماموران در ادامه، رفت‌وآمدهای صورت‌گرفته به خانه را بررسی کرده و متوجه شدند زنی، مدتی است به عنوان نظافتکار به این خانه رفت‌وآمد دارد. با شناسایی این زن و محل سکونتش، او با دستور قضایی بازداشت شد. در بازرسی از خانه این زن، ۴۵ گرم طلا، یک سکه بهار آزادی و بخشی از لوازم آشپزخانه متعلق به شاکی کشف شد. زن میانسال در جریان تحقیقات به سرقت اعتراف کرد و گفت: «با اعتماد صاحبخانه توانستم کلید خانه را از او بگیرم. یک کلید ساختم و منتظر شدم تا صاحبخانه به سفر برود. وقتی به سفر رفت، وارد خانه شدم و اموال باارزش و طلاها را سرقت کردم.» با اعتراف متهم، او برای کشف سایر جرایم احتمالی در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفت.

دستگیری صراف قلابی

در پرونده‌ای دیگر، کارآگاهان پلیس آگاهی تهران موفق شدند مردی را که با معرفی خود به عنوان صراف، از یک سرمربی سرشناس خارجی شاغل در لیگ برتر فوتبال کلاهبرداری کرده بود، دستگیر کنند. رسیدگی به این پرونده با شکایت این سرمربی آغاز شد. بررسی‌های اولیه نشان داد متهم خود را صرافی مطمئن معرفی کرده و پس از دریافت مبالغ کلان ارزی از شاکی، متواری شده است. با شناسایی هویت متهم، اخطاریه قضایی برای او صادر شد اما مرد کلاهبردار ارتباطات و تلفن‌های خود را قطع کرد و زندگی مخفیانه‌ای را در پیش گرفت. در ادامه تحقیقات، چند شکایت مشابه نیز به پلیس آگاهی رسید و کارآگاهان دریافتند متهم با همین شیوه از افراد دیگری نیز کلاهبرداری کرده است. سرانجام مخفیگاه او در غرب تهران شناسایی شد اما زمانی که تیم عملیات پلیس آگاهی به محل مراجعه کرد، متهم پیش از حضور ماموران خانه را تخلیه کرده و گریخته بود. بررسی سرنخ‌ها ادامه یافت تا این‌که کارآگاهان متوجه شدند او با یکی از بستگانش در استان البرز مراوده مالی دارد. همین سرنخ باعث شد متهم برای انجام یک معامله صوری به محل قرارکشانده و دستگیر شود. مرد کلاهبردار در ابتدا مدعی شد مجوز خرید و فروش سکه دارد و با چند صرافی معتبر در زمینه ارز همکاری می‌کند اما بررسی‌های کارآگاهان خلاف ادعاهای او را نشان داد. متهم که راهی برای انکار نداشت، سرانجام به کلاهبرداری اعتراف کرد و گفت: «در پوشش صراف از ۱۰ نفر ارز و ریال گرفتم که یکی از آنها سرمربی خارجی معروف بود. بعد از این‌که پول خوبی به دست آوردم، متواری شدم.»

سرهنگ کارآگاه اصغر خدایی، رئیس پلیس آگاهی تهران، با اعلام این‌که متهم با قرار قانونی راهی زندان شده، از شهروندان خواست برای انجام مبادلات ارزی یا انتقال حواله‌های خارجی، تنها به صرافی‌های رسمی و دارای مجوز مراجعه کنند و پیش از انجام معامله از اعتبار و مجوز فعالیت مجموعه مورد نظر مطمئن شوند.

کشف ۶ کیلو تریاک از خانه‌ای در نظام‌آباد

در سومین پرونده، ماموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین درپی گزارش‌های شهروندان از فعالیت یک ساقی مواد مخدر در محله نظام‌آباد مطلع شدند. ماموران پس از انجام تحقیقات محلی، صحت گزارش‌ها را تأیید کردند و با دریافت مجوز قضایی برای دستگیری متهم وارد عمل شدند. در جریان عملیات، مرد موادفروش در خانه موردنظر دستگیر شد و ماموران در بازرسی از این محل شش کیلو و ۱۳۸ گرم تریاک کشف کردند.

بررسی‌های اولیه نشان داد این محموله به‌تازگی به آنجا منتقل شده که پیش از توزیع، توسط پلیس کشف شده است.

فروش فیش حقوقی جعلی برای کلاهبرداری

کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران نیز در جریان رسیدگی به پرونده‌ای با موضوع تحصیل مال نامشروع و کلاهبرداری، از فعالیت یک باند فروش فیش حقوقی جعلی مطلع شدند. تحقیقات اولیه نشان داد اعضای این باند با انتشار آگهی‌های فریبنده در یک سکوی برخط و ارتباط با دلالان، افراد متقاضی فیش حقوقی را شناسایی کرده و برای هر فیش بین ۳۰ تا ۶۰ میلیون تومان دریافت می‌کردند.

کارآگاهان در ادامه تحقیقات و با انجام اقدامات پلیسی، دلال اصلی این باند را که در تهران و البرز فعالیت داشت، شناسایی کردند. او در جریان یک قرار صوری در خیابان خواجه عبدالله دستگیر شد. پس از اعتراف این متهم، سایر اعضای باند نیز در نقاط مختلف شهر شناسایی و دستگیر شدند.

تحقیقات نشان داد اعضای این باند برای افزایش اعتبار خود، از طریق افرادی که خود را کارکنان سازمان‌های دولتی معرفی می‌کردند، افراد دارای فیش حقوقی را شناسایی کرده و در ازای دریافت مبالغ کلان، از آنها به عنوان کفیل در مراجع قضایی استفاده می‌کردند. متهمان در بازجویی‌های اولیه اتهامات خود را انکار کردند اما در ادامه تحقیقات تخصصی به کلاهبرداری در پوشش فروش فیش حقوقی اعتراف کردند. تحقیقات از اعضای این باند برای کشف سایر جرایم و شناسایی زوایای پنهان این کلاهبرداری ادامه دارد.

دعوا بر سر کوئیک رنگ خون گرفت

مرد نمایشگاه‌دار که سعی داشت مانع بردن خودرویی شود، جانش را از دست داد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل شهریور امسال زنی با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت کرد که شوهرش فوت کرده و بابت مرگش از مردی به اتهام قتل عمد شکایت کرد. او گفت: شوهرم صاحب نمایشگاه خودرو بود. مدتی قبل مردی یک خودروی کوئیک به او فروخت اما شوهرم نمی‌دانست خودرو متعلق به فرد دیگری است. بعد از چند ماه مردی سراغ شوهرم آمد و مدعی شد خودرو متعلق به اوست و فروشنده (فرشید) آن را از او امانت گرفته و حق فروشش را نداشته است. ظاهرا همین مسأله باعث درگیری آنها می‌شود. روز حادثه شوهرم در نمایشگاه بود و فرشید که مدعی مالکیت خودرو بود همراه مرد دیگری به آنجا می‌روند تا آن را تحویل بگیرند اما شوهرم هر چه می‌گوید خودرو را معامله کرده و نمی‌تواند آن را پس بدهد بی‌فایده بود. مرد جوان و همراهش با شوهرم درگیر شده و به‌زور سوار خودرو می‌شوند. شوهرم برای ممانعت از فرار آنها از کاپوت خودرو آویزان می‌شود و راننده او را با همان حال با خودش می‌برد. شوهرم بعد از طی مسافتی خودرو را رها می‌کند و به‌شدت مصدوم می‌شود و بعد از یک شبانه‌روز در بیمارستان فوت می‌کند. بابت مرگ شوهرم از متهم فراری شکایت دارم.

ماموران برای دستگیری متهم به خانه‌اش می‌روند اما از آنجا که او به مکان نامعلومی گریخته بود و خانواده‌اش از او خبر نداشتند بنابراین با هماهنگی قضایی همسرش بازداشت و برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل می‌شود. او در تشریح ماجرا می‌گوید: خودروی کوئیک متعلق به من بود. سه ماهی می‌شد آن را خریده بودم اما خودرو در اختیار شوهرم بود. مردی که با همسرم مراوده مالی داشت او را فریب داده و خودرو را از او می‌گیرد و با سندسازی به مقتول می‌فروشد. روز حادثه شوهرم و برادرم برای پس گرفتن خودرو نزد مرد نمایشگاه‌دار می‌روند. حتی به پلیس هم زنگ می‌زنند که بیاید. شوهرم سوار خودرو می‌شود و مقتول برای این‌که مانع فرار او شود به کاپوت خودرو آویزان می‌شود. شوهرم بعد از آن ماجرا اینها را تلفنی برایم تعریف کرد.

با دستور بازپرس شعبه چهارم دادسرای جنایی تهران، این زن در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات برای دستگیری شوهرش در حال انجام است.

در سر شلیک به مرد ساتور به دست

مامور پلیس که در جریان دستگیری مرد ساتور به دست به او شلیک مرگبار کرده بود، بعد از رضایت اولیای دم در دادگاه محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از سال ۱۴۰۱ و با گزارش مرگ مردی در جریان تیراندازی با پلیس آغاز شد. تیم جنایی با حضور در محل با جسد مرد جوانی روبه‌رو شدند که با سه گلوله به پاها و پهلویش جان باخته بود. بررسی‌ها نشان داد، این مرد با ساتور به خانه برادرش آمده و با شکایت صاحبخانه، ماموران به آنجا آمده بودند. مامور تیرانداز در تحقیقات گفت: صاحبخانه گفته بود، برادرش اعضای خانواده‌اش را به گروگان گرفته و ما با دستور قضایی وارد شدیم اما مرد مهاجم با قمه و چاقو به سمت ما حمله کرد و مجبور به تیراندازی شدیم. با تکمیل تحقیقات، عمل متهم قتل عمدی تشخیص داده شد اما اولیای دم قبل از محاکمه رضایت خود را اعلام کردند.

به این ترتیب دیروز متهم در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه قرار گرفت. در این جلسه مادر مقتول حضور نداشت اما پیش از این در دادسرا رضایت خود را اعلام کرده بود. همسر مقتول هم در این جلسه گفت: باتوجه به این‌که اولیای دم تقاضا و مطالبه دیه کرده اند، تقاضای سهم‌الارث خود را دارم و تاکنون دیه‌ای به ما پرداخت نشده است.

سپس متهم در جایگاه ایستاد و در دفاع از خود گفت: روز حادثه من سراکیپ گشت خودرویی کلانتری بودم. حدود ساعت ۱۱ رفتم صورتجلسه را تحویل دهم که تلفن مرفوک زنگ خورد. گشت واحد موتوری بود و خبر داد مردی داخل خانه رفته و با قفل کردن در، آنجا را آتش زده است. گفتم با آتش‌نشانی تماس بگیرید و بعد موضوع را به رئیس کلانتری اطلاع دادم که گفت سریع خودت را برسان. وقتی به آنجا رسیدم، آتش‌نشانان شعله‌های آتش را خاموش کرده بودند. برادر مرد آتش‌افروز سراغ من آمد و گفت؛ برادرم شیشه مصرف می‌کند و تحت تاثیر آن توهم زده و خانه را آتش زده است. اینجا هم خانه مادرمان بود که آتش زد. چند روز قبل هم مرا با ساتور زد. همین لحظه یکی دیگر از ساکنان ساختمان سراغم آمد و خواست با همسرش صحبت کنم. همسرش تعریف کرد که مرد شیشه‌ای در خانه‌شان را شکسته و با ساتور وارد آنجا شده و باعث وحشتش شده است.

مامور پلیس ادامه داد: صحنه را تحویل داده و از برادر متهم خواستم با صورتجلسه به دادستانی برود، نامه بگیرد و برادرش را به کمپ انتقال دهد. حدود ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه بود که سرقت لوازم داخل خودرو در حوزه من اعلام شد و خودم را به آنجا رساندم. دیدم شاکی آشناست که با معرفی خودش، فهمیدم برادر مرد آتش‌افروز است. ادعا کرد برادرش این بار زن و بچه او را در داخل خانه با ساتور گروگان گرفته و جان‌شان در خطر است.

رئیس دادگاه گفت: اما زن و بچه اش آن‌موقع در خانه نبودند که متهم پاسخ داد: وقتی بالا رفتم در خانه سالم بود و اصلا دقت نکردم شاکی گفته بود در را برادرش شکسته است. فکر می‌کردم زن و بچه شاکی در خانه هستند. شاکی در را باز کرد و از محل گریخت. متهم را دیدم که با ساتور روی زمین نشسته بود. چوب بزرگی کنارش بود که آن را سمت من پرت کرد و به چارچوب در خورد. بعد به سمتم حمله کرد که در را بستم اما او فحاشی می‌کرد. با رئیس کلانتری صحبت کردم گفت بگو واحد کمکی بیاید که چند دقیقه بعد واحد موتوری آمد.

رئیس دادگاه پرسید: برای ورود به خانه دستور قضایی داشتید؟ متهم پاسخ داد: بله ساعت ٤ بود که با قاضی کشیک تماس گرفتم و گفتم فردی که امروز قبل از ظهر خانه مادرش را آتش زده بود، الان زن و بچه برادرش را به گروگان گرفته است. قاضی هم دستور ورود به خانه را داد. ابتدا مقابل در با او صحبت کردم اما راضی نشد تسلیم شود. تهدید می‌کرد اگر کسی داخل بیاید، او را و افراد داخل خانه را می‌کشد. در را شکستیم و اول من وارد شدم. چند بار بشقاب و ساتور سمتم پرت کرد. من هم اول تیر مشقی و بعد تیر اخطار شلیک کردم. بعد اسلحه‌ام گیر کرد. او سمتم آمد که بقیه شلیک کردند. من هم اسلحه یکی از همکاران را گرفتم و به سمتش شلیک کردم.

رئیس دادگاه: به کدام قسمت بدنش شلیک کردی؟

متهم: به هر دو پایش. اول به ساق پایش زدم اما همچنان به سمت ما حمله می‌کرد و تیر دوم را به زانویش زدم.

رئیس دادگاه: چه کسی به پهلویش شلیک کرد؟

متهم: خبر ندارم. من فقط به پایش شلیک کردم. بعد از من هم دیگر کسی شلیک نکرد.

در پایان هم نماینده حقوقی فراجا گفت: دیه سال ۱۴۰۱ با هماهنگی اولیای دم به حساب دادگستری واریز شد و آنها رضایت خود را اعلام کردند. آن زمان مامور پلیس یک سال خدمت بود و در این چهار سال هیچ مشکل دیگری رخ نداده است.

پس از دفاعیات متهم و نماینده حقوقی پلیس، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

کمپ ترک اعتیاد، مخفیگاه ناامن دزد حرفه‌ای

گوشی قاپ حرفه‌ای که بعد از سرقت‌های سریالی‌اش خود را در کمپ ترک اعتیاد پنهان می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، از بهار امسال شکایت‌هایی در دستورکار پلیس آگاهی تهران قرار گرفت مبنی بر این‌که هنگام عبور از خیابان‌های خلوت و بوستان‌ها در سطح شهر تهران دو موتورسوار ماسک‌دار به آنها نزدیک شده و با تهدید چاقو تلفن همراه آنها که ۱۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان ارزش داشته را به سرقت بردند.

با افزایش شکایت‌ها تحقیقات برای دستگیری سارقان فراری ادامه داشت تا این‌که با گذشت چند ماه از این ماجرا، دو روز پیش مدیر یک کمپ ترک اعتیاد در اطراف تهران با پلیس تماس گرفت و اطلاع داد مردی جوان که اعتیاد دارد دو هفته است در اینجا بستری شده که گمان می‌کنم گوشی قاپ باشد، چراکه متوجه شدم تلفنی درباره فروش و سرقت گوشی صحبت می‌کرد. علاوه بر آن سراغ چند نفر از مددجویان هم رفته و به آنها گفته بود که اگر می‌خواهند می‌توانند با او همراه شده و گوشی قاپی کنند.

بعد از این تماس ماموران برای بررسی ماجرا به این کمپ رفتند و او با هماهنگی قضایی بازداشت شد. متهم در جریان تحقیقات مدعی بود که معتاد بوده و برای ترک اعتیاد به کمپ رفته و سرقتی انجام نداده است. اما وقتی این مرد در مواجهه حضوری با شاکیان قرار گرفت آنها توانستند از روی چشم‌ها و صدای متهم او را به‌عنوان یکی از دو سارق گوشی‌های‌شان، شناسایی کنند. مرد جوان وقتی دید راهی جز بیان حقیقت ندارد، سکوت خود را شکست و اعتراف کرد. او در تشریح ماجرا گفت: سال‌ها قبل خیاط بودم اما کارفرمایم فهمید شیشه مصرف می‌کنم و مرا اخراج کرد. بعد از آن با چند خلافکار که گوشی‌قاپ بودند آشنا شدم. با آنها همراهی کردم و شش مرتبه بابت سرقت گوشی به زندان رفتم و دو سه سال حبس کشیدم و رد مال دادم. یک ماه که از آخرین محکومیتم سپری شد با شهرام دوست شدم. او خلافکار حرفه‌ای بود و نیمی از عمرش در زندان سپری می‌شد. به‌سرعت گوشی سرقت می‌کرد و اسم خودش را «شبح» گذاشته بود. من عضو باند او شدم. ماسک می‌زدیم و به شکار مردان در شمال تهران می‌رفتیم و شش‌ماه بود که سرقت‌های گوشی را انجام می‌دادیم.

متهم ادامه داد: سه شبانه‌روز با زدن ماسک و سوار بر موتور مردم را در بوستان‌ها و خیابان‌های شمال تهران تعقیب کرده و سپس سد راه‌شان می‌شدیم و تهدید با چاقو، گوشی‌های‌شان را به سرقت می‌بردیم. بعد از چند روز گوشی قاپی به بهانه ترک مواد به کمپ می‌رفتم تا شناسایی نشوم. بعد دوباره بیرون می‌آمدم و سرقت‌های جدید را انجام می‌دادم.

صیاد خاکزاد، بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف این متهم به سرقت‌های سریالی‌اش، او در بازداشت به سر می‌برد و همدستش تحت تعقیب پلیس قرار دارد.

عامل تیراندازی به پلیس ناکام ماند

فرمانده انتظامی شهرستان گلپایگان از دستگیری یک محکوم متواری خبر داد که هنگام شناسایی و دستگیری، ابتدا با سلاح سرد به ماموران حمله‌ور شده بود.

سرهنگ علی‌اصغر محمدی به ایرنا گفت: صبح روز سه‌شنبه ماموران کلانتری ۱۴ گوگد در اجرای دستور مرجع قضایی مبنی بر جلب و دستگیری یکی از محکومان متواری و تحت تعقیب، که دارای سوابق متعدد کیفری از جمله مواد مخدر، سرقت، نزاع و درگیری بود، به مخفیگاه وی اعزام شدند.

وی افزود: متهم به‌محض اطلاع از حضور ماموران، با قدرت‌نمایی و استفاده از سلاح سرد (چاقو) به‌سمت آنها حمله‌ور و با واکنش سریع ماموران مواجه شد. این فرد در ادامه هنگام فرار، سلاح کلت کمری غیرمجازی را که از قبل در لباس خود پنهان کرده بود، بیرون آورد و به‌سمت ماموران انتظامی تیراندازی کرد که خوشبختانه در این حادثه هیچ‌یک از ماموران آسیب ندیدند.

محمدی ادامه داد: ماموران نیز با اتخاذ موضع مناسب و در چارچوب ضوابط، اقدام به تیراندازی کردند که در جریان آن متهم مورد اصابت گلوله قرار گرفت و زمین‌گیر شد.

در بازرسی از متهم یک قبضه سلاح جنگی کلت کمری به‌همراه ۱۶ فشنگ کشف و ضبط و متهم پس از دستگیری به بیمارستان منتقل شد.

کوتاه از حوادث

کشف جسد کودک بعد از ۳ ماه

پیکر کودک ۴ ساله‌ای که سه‌ماه پیش در رودخانه زاینده‌رود غرق شده بود، پیداشد.

بیژن طاهری، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر چهارمحال و بختیاری به ایسنا گفت: گزارشی مبنی بر مشاهده پیکر یک کودک در حاشیه رودخانه زاینده‌رود، حوالی روستای سوادجان، دریافت شد و تیم امداد و نجات پایگاه شهدای سامان به محل اعزام شده و در ادامه این پیکر را از آب خارج کردند.

وی افزود: در ادامه تحقیقات پلیس معلوم شد این پیکر متعلق به همان کودک چهار ساله‌ای که روز ۲۰ خردادماه در رودخانه زاینده‌رود، در محدوده روستای صادق‌آباد شهرستان سامان، غرق شده بود.

۲ مظنون در پرونده زن گمشده

همزمان با گمشدن زن جوان، دو نفر در این رابطه بازداشت شدند.

حامد کدیور، وکیل پرونده به ایرنا گفت: رویا اکبرپور زن ۳۰ ساله یکم مرداد امسال مفقود شد. پس از اعلام گمشدن وی از سوی خانواده، تحقیقات پلیسی آغاز شد. این در حالی است که دو نفر در این رابطه به‌عنوان مظنون بازداشت شدند. او پیش از ناپدیدشدن با یکی از افراد مرتبط با پرونده آشنایی قبلی داشته و از طریق تلفن با او در ارتباط بوده است.

وی افزود: پس از هماهنگی برای دیدار، این‌فرد به همراه یکی از دوستان خود به محل سکونت وی مراجعه کرده و او سوار خودروی آنها شده است و پس از آن، خانواده اطلاعی از محل حضور وی به‌دست نیاورده‌اند. مادر این زن پس از اطلاع از موضوع، برای پیگیری وضعیت دخترش با همان شماره تماس برقرار کرده و درباره محل حضور او پرس‌وجو کرده است.

وکیل پرونده با اشاره به اظهارات مطرح‌شده از سوی افراد بازداشت‌شده بیان کرد: درباره اتفاقات پس از خروج این زن از منزل، روایت‌های متفاوتی مطرح شده و اظهارات این افراد با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد که بررسی صحت و سقم آنها در روند تحقیقات قضایی انجام می‌شود. یکی از روایت‌های مطرح‌شده این است که این زن به یک محل انتظامی منتقل شده است اما تاکنون اطلاعات یا مستنداتی که حضور وی در آن محل را تایید کند، به‌دست نیامده است.

اعتراف پدر به قتل پسر

فرمانده انتظامی چگنی از دستگیری فرد متهم به قتل در این شهرستان خبر داد.

به‌گزارش خبرگزاری مهر، سرهنگ شاپور گراوند گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره درگیری منجر به قتل در روستای «شرف بستانرود» شهرستان چگنی، ماموران پاسگاه انتظامی «چنار» و پلیس آگاهی تحقیقات را آغاز کردند.

مأموران پس از حضور در صحنه و انجام بررسی‌های اولیه دریافتند که پدر و پسر به‌دلیل اختلافات خانوادگی با یکدیگر درگیر شده‌اند که در جریان این درگیری، پدر با استفاده از سلاح کلاشنیکف اقدام به تیراندازی به‌سمت پسر خود کرده و وی را از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار داده است.

وی افزود: متهم پس از هماهنگی قضائی، در یک عملیات، دستگیر شد. در جریان این عملیات، یک قبضه سلاح کلاش، یک‌تیغه خشاب و دو تیر جنگی از متهم کشف شد.

دستگیری شرور سابقه‌دار

فرمانده انتظامی بابل از دستگیری شرور سابقه‌داری خبر داد که با تیراندازی و قدرت‌نمایی موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی شده بود.

به‌گزارش خبرگزاری صداوسیمای مازندران، سرهنگ عزیزی گفت: درپی دریافت خبری از مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر تیراندازی و قدرت‌نمایی همراه با ایجاد اخلال در نظم و امنیت عمومی توسط فردی شرور و اراذل و اوباش، تحقیقات پلیسی آغاز شد. در تحقیقات بعدی محل اختفای این‌فرد در یکی از شهرستان‌های همجوار شناسایی و با هماهنگی قضایی و رعایت قانون به‌کارگیری سلاح، وی زمین‌گیر و دستگیر شد.